

# تاریخ آموزش و پرورش

## نظام های آموزشی ایران

۷۹

بررسی کمیته ملی پیکار بابتی سوادى در دوره پهلوى دوم

۱۰۱

تحولات معارف و آموزش و پرورش ایران در سال های جنگ جهانی

۱۲۱

بررسی نقش مدرسه شوکتیه، در آموزش و پرورش نوین ایران

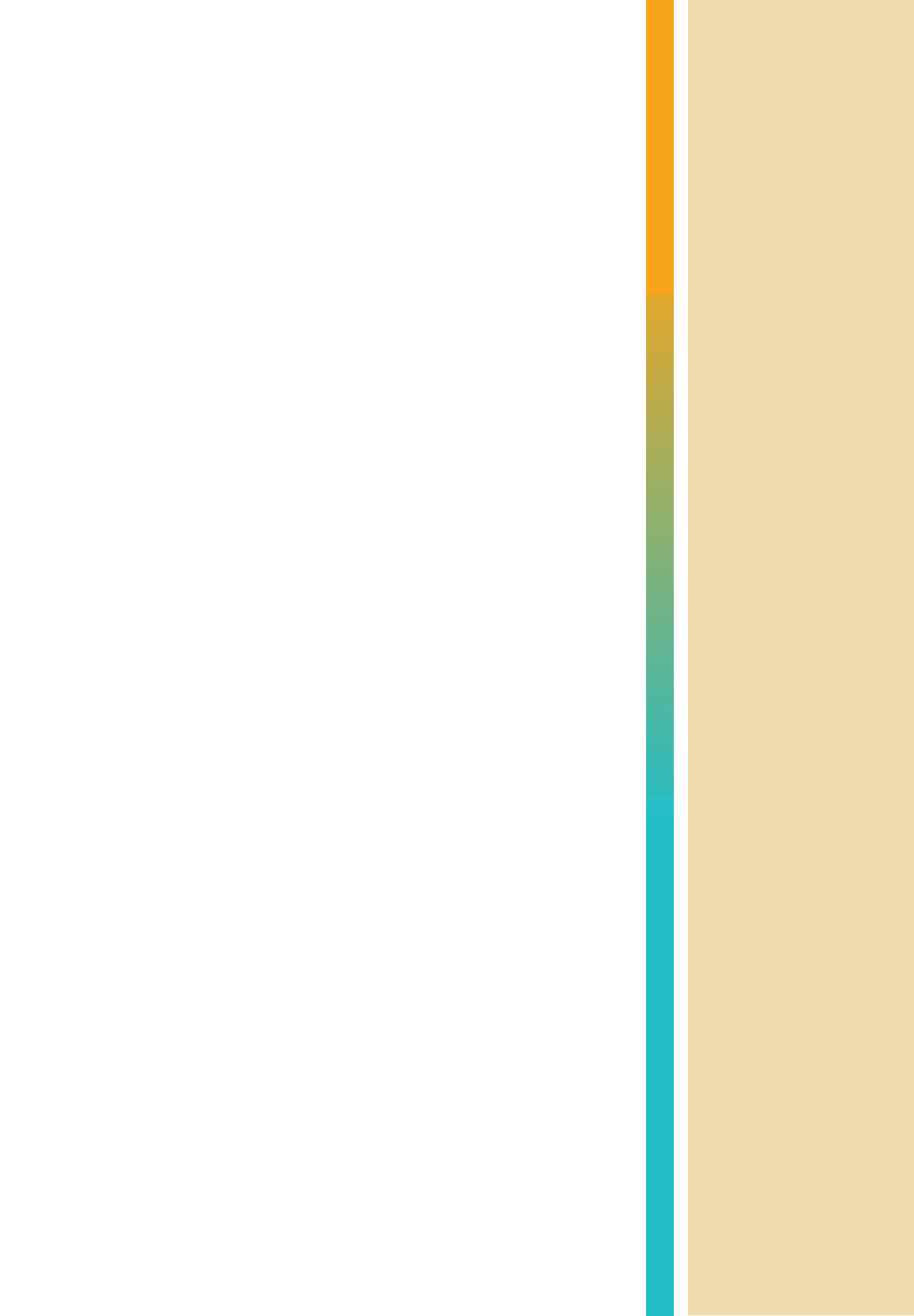
۱۲۹

از دارالمعلمین تا دانشگاه فرهنگیان

۱۴۵

از برگ زرین پیک تا اوراق طلایی رشد

۱۵۹



# نظام‌های آموزشی ایران

## (قسمت دوم)

مقاله

● دکتر سید محمد کاظم نائینی

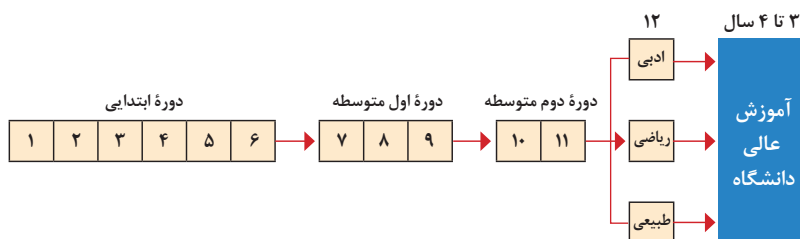
اشاره

«بررسی سیر تحولات نظام آموزشی و تأثیرات آموزشی و اجتماعی آن‌ها» از جمله موضوع‌های مهمی است که جهت حرکت ما را در یک برهه تاریخی نشان می‌دهد و می‌تواند تجربه مهمی از منظر آموزشی و اجتماعی برای برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و مدیران آموزشی برای برنامه‌های آینده و حال باشد. در شماره قبل بخش اول این مقاله ارائه شد. در این شماره قسمت دوم و پایانی آن را مطالعه می‌کنید.

### دوره سوم نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۱۳ (تأسیس دانشگاه تهران) تا سال ۱۳۳۲ (کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد)

پس از تأسیس دانشگاه تهران، ضرورت رشته‌ای کردن دوره متوسطه (حداقل دوره دوم آن) به منظور آماده کردن دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه محسوس شد. زیرا برنامه‌ها و محتوای درسی این دوره، نیاز رشته‌های تخصصی پزشکی، مهندسی و دیگر علوم دانشگاهی را، تأمین نمی‌کرد. بعضی از درس‌ها نیز در دوره متوسطه خوانده می‌شدند که برای دانشگاه ضرورتی نداشتند. لذا «شورای عالی معارف» که اعضای جدید آن اکثراً استادان دانشگاه بودند، مطالعات خود را روی رشته‌ای کردن دوره متوسطه آغاز کرد. نتیجه این مطالعات به تدوین «طرح جدید نظام آموزشی» انجامید که در اسفند ماه ۱۳۱۳ به شکل نمودار ۱ تصویب و ابلاغ شد. در این طرح تنها سال آخر متوسطه را رشته‌ای و به سه رشته تفکیک کردند: ادبی، ریاضی و طبیعی.

در این نظام دوره ابتدایی شش سال بود که از سن هفت سالگی آغاز می‌شد و دوره متوسطه نیز شش سال بود (سه سال دوره اول، دوسال دوره دوم و یک‌سال آخر رشته‌ای). در دوره آموزش عالی نیز گرفتن مدرک لیسانس سه سال، مهندسی چهار سال و رشته‌های پزشکی پنج سال طول کشید.



### نمودار ۱. ساختار نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۳۶ تا سال ۱۳۴۵ هجری شمسی

بزرگ‌ترین مشکل این نظام عدم امکان اجرای آن در همه شهرها، بخش‌ها و نقاط کشور بود. در هر شهر تنها یک یا دو رشته را که امکان اجرای آن را داشتند، دایر می‌کردند. مدرسه‌های عالی هم فقط در تهران فعال بودند. در نتیجه دانش‌آموزان و دانشجویان علاقه‌مند به رشته‌هایی که در شهر آن‌ها دایر نبود، مجبور بودند مهاجرت کنند. اغلب این مهاجرت‌ها همراه با مهاجرت خانواده‌ها صورت می‌گرفت. در نتیجه سیل مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرها به تهران سرازیر شد. آن‌ها که توان مهاجرت نداشتند، یا تحصیل را رها می‌کردند و یا ناگزیر می‌شدند، رشته‌ای برخلاف علاقه خود انتخاب کنند. اگر چه دانشگاه تهران در بدو تأسیس بلافاصله به تربیت دبیران مورد نیاز آموزش و پرورش در رشته‌های گوناگون اقدام کرد، ولی حجم تقاضا برای تحصیل بیش از عرضه معلم و امکانات بود و این تفاوت روز به روز بیشتر می‌شد. وزارت آموزش و پرورش در صدد برآمد، از طریق چاپ کتاب‌های درسی و توزیع آن‌ها در سراسر کشور، تسهیل ضوابط و شرایط امتحان نهایی، و ایجاد آموزشکده‌های شبانه و غیردولتی، تا اندازه‌ای از شدت این مشکل بکاهد. تألیف و چاپ کتاب‌های درسی آزاد شد، ناهماهنگی در محتوا پدید آمد، مؤسسات آموزشی غیردولتی سلیقه‌های خود را بر نظام آموزشی حاکم کردند، و هدف‌های تعلیم و تربیت به حالت ابهام درآمدند. در امتحانات نهایی که به‌طور سراسری برگزار می‌شدند، سؤالات از مرکز می‌آمدند و معمولاً سبک خاصی داشتند و از روش ویژه طراح متأثر بودند، نتیجه دانش‌آموزان به سمت نوع خاصی از یادگیری سوق پیدا کردند و اعتمادشان نسبت به معلمانی که از این نوع سبک‌ها و روش‌ها تبعیت نمی‌کردند، کاهش یافت. کلاس‌های کنکور و کار معلم خصوصی رونق گرفت. در هر حال، اثرات این نظام که تا سال ۱۳۳۲ (کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد) و چند سال بعد از آن ادامه داشت، در سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۲۵ چندان محسوس نبود، ولی پس از پایان جنگ بین‌المللی اول ناپسامانی‌های آموزشی بروز کرد و مشکلات نظام آشکار شد. در واقع معلوم شد، محصول این نظام نیاز کشور را تأمین نمی‌کند و لزوم طراحی نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت صنعتگران ماهر محسوس شد و مورد بحث و بررسی نمایندگان مجلس و شورای عالی معارف قرار گرفت. نکته بارزی که در حاشیه نظام از صورت جلسات شورای عالی معارف دی‌ماه ۱۳۱۳ تا بهمن ماه ۱۳۱۵ مشاهده و استنباط می‌شود، طرح و اجرای دوره‌های متوسطه صنعت،

**گرایش به رشته‌های پول‌ساز، یا جاذبه‌های شغلی برتر، توزیع داوطلبان را در رشته‌های دانشگاهی، ناهم‌هنگ و نامتناسب کرد**

فلاحه، تجارت، پرستاری، نظامی، تربیت معلم و متوسطه دینی اهل تسنن در کنار نظام رسمی آموزش کشور بود که شاگردان خود را از دوره ابتدایی و بالاتر انتخاب می‌کردند و دریافت دیپلم تخصصی رشته آن‌ها را پیش می‌بردند.

مسئله دیگری که ضمن اجرای نظام رشته‌ای پدید آمد، توجه دانشجویان به بعضی از رشته‌های خاص دانشگاهی بود که توازن انتخاب رشته را بهم می‌زد. بعضی از رشته‌ها، مثل مهندسی راه و ساختمان، مکانیک، مواد، معماری، پزشکی، دندان پزشکی و داروسازی، به دلیل نیاز شدید کشور و جذب سریع فارغ‌التحصیلان این رشته‌ها به دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های دولتی با امتیاز و مزایای زیاد، شهرت یافتند. گرایش جوانان به این رشته‌ها بیشتر و امید ادامه تحصیل آنان در این رشته‌ها به آرزو تبدیل شد. خانواده‌های سطح بالا فرزندان‌شان را به این رشته‌ها هدایت می‌کردند و خانواده‌های کم‌توان که امکان مهاجرت و تأمین با مخارج سنگین تحصیلات را نداشتند، به رشته‌هایی که در جامعه کم‌اعتبار شده بودند، روی می‌آوردند.

گرایش به رشته‌های پول‌ساز، یا جاذبه‌های شغلی برتر، توزیع داوطلبان را در رشته‌های دانشگاهی، ناهم‌هنگ و نامتناسب کرد، به طوری که برای بعضی از رشته‌ها، مثل مهندسی، پزشکی دو تا چند برابر ظرفیت، داوطلب وجود داشت، ولی برای بعضی از رشته‌ها، مثل معلمی، تعداد داوطلبان از ظرفیت مورد تقاضای دولت کمتر بود. ناگزیر آزمون ورودی و مصاحبه برقرار شد که ورود به دانشگاه را برای عده‌ای محدود کرد.

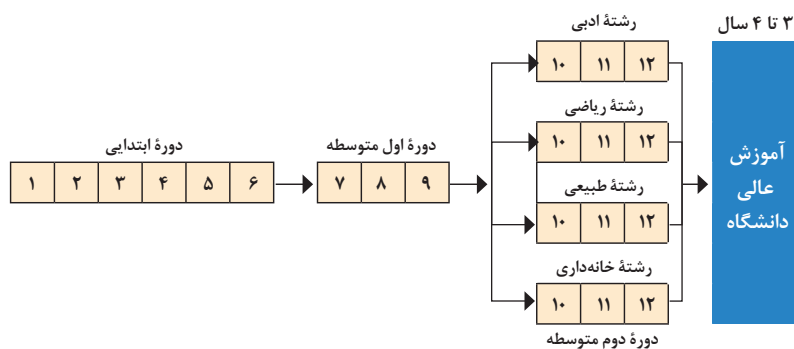
باید توجه داشت که رشته‌ای بودن سال آخر متوسطه تنها در دارالفنون و در برخی از مدرسه‌های تهران اجرا می‌شد و در سایر شهرها، بیشتر همان نظام یک رشته‌ای قبل را (شش سال ابتدایی - شش سال متوسطه) اجرا می‌کردند. نظام آموزشی از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۳۲ تغییر محسوسی نداشت. شورای عالی معارف نیز از ابتدای تشکیل دانشگاه تهران بیشتر وقت خود را صرف برنامه‌ریزی درس‌های دوره‌های دانشگاهی و اصلاح مواد و محتوای درسی دوره متوسطه می‌کرد و جریان جنگ دوم بین‌المللی و وقایع شهریور ۱۳۲۰، تغییرات پیاپی کابینه، تعویض شاه، ملی شدن صنعت نفت، و وقایع دیگر، مجال تفکر و اصلاح یا تغییر نظام را به شورای عالی فرهنگ نمی‌داد.

## **دوره چهارم (مرداد) تا سال ۱۳۴۵**

پس از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، گروهی از مستشاران تعلیم و تربیت از آمریکا و کشورهای اروپایی دعوت شدند نظام آموزشی ایران را مطالعه و بررسی و آن را اصلاح و تکمیل کنند و متناسب با پیشرفت صنعتی جهان، هماهنگ سازند. لذا ابتدا رشته‌ای بودن نظام آموزشی ایران را در سال آخر متوسطه برای رشته‌های نظری پذیرفتند و این نظام را در سراسر ایران رسماً لازم‌الاجرا کردند (۱۳۳۴). سپس نظام دیگری زیر عنوان «نظام آموزشی

فنی و حرفه‌ای» به موازات دوره‌های نظری طراحی، و دولت را به اجرای آن در هنرستان‌ها و آموزشکده‌های فنی و حرفه‌ای ملزم ساختند.

در سال ۱۳۳۶، نظام آموزشی ایران در دوره دوم متوسطه کاملاً رشته‌ای شد و دانش‌آموزان پس از گذراندن دوره اول متوسطه یکی از این رشته‌ها را متناسب با میانگین نمراتشان انتخاب می‌کردند و به تحصیل در آن رشته مشغول می‌شدند. تعداد رشته‌ها تا سال ۱۳۳۸ سه تا بود (ادبی، ریاضی و طبیعی)، در شهرهای دیگر به ندرت مدرسه‌ای بود که هر سه رشته را دایر کرده باشد. در سال ۱۳۳۸ رشته خانه‌داری نیز برای خانم‌ها به رشته‌های سه‌گانه فوق اضافه شد و شکل نظام به صورت زیر درآمد.



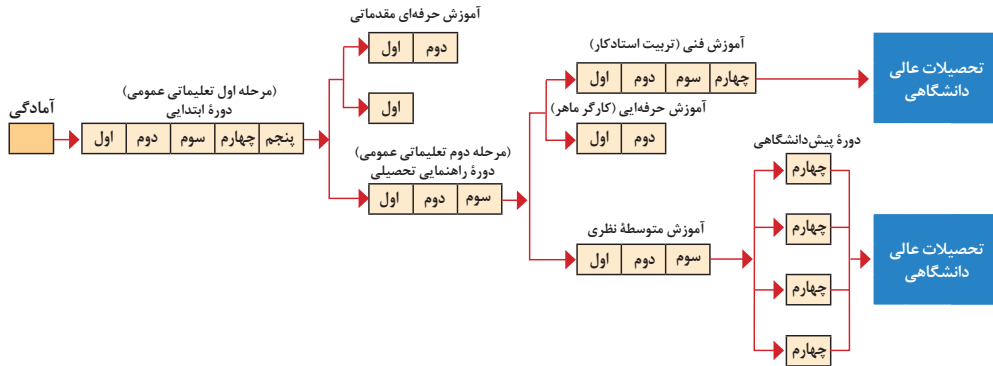
## نمودار ۲. ساختار نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۳۶ تا سال ۱۳۴۵ هجری شمسی

هم‌زمان با اعلام رسمی این نظام، گروهی از استادان دانشگاه و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت کشور از طرف شورای عالی آموزش و پرورش دعوت شدند تا موضوع تغییر نظام آموزشی کشور را بررسی کنند و متأثر از تحولات صنعتی که در جهان پدید آمده بود، نظام آموزشی جدیدی را متناسب با اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور طراحی و تدوین کنند. بدین منظور کمیته‌ای به نام «کمیته تغییر نظام آموزشی» تشکیل شد. این کمیته با الهام از افکار دانشمندان تعلیم و تربیت غرب، الگوبرداری از نظام‌های آموزشی کشورهای صنعتی جهان، و تحت تأثیر تحولات سیاسی روز، طرحی به نام «نظام جدید آموزشی ایران» تهیه و تدوین و به «شورای عالی آموزش و پرورش» تقدیم کرد. بدین ترتیب دوره پنجم نظام آموزشی رسمی کشور آغاز می‌شود.

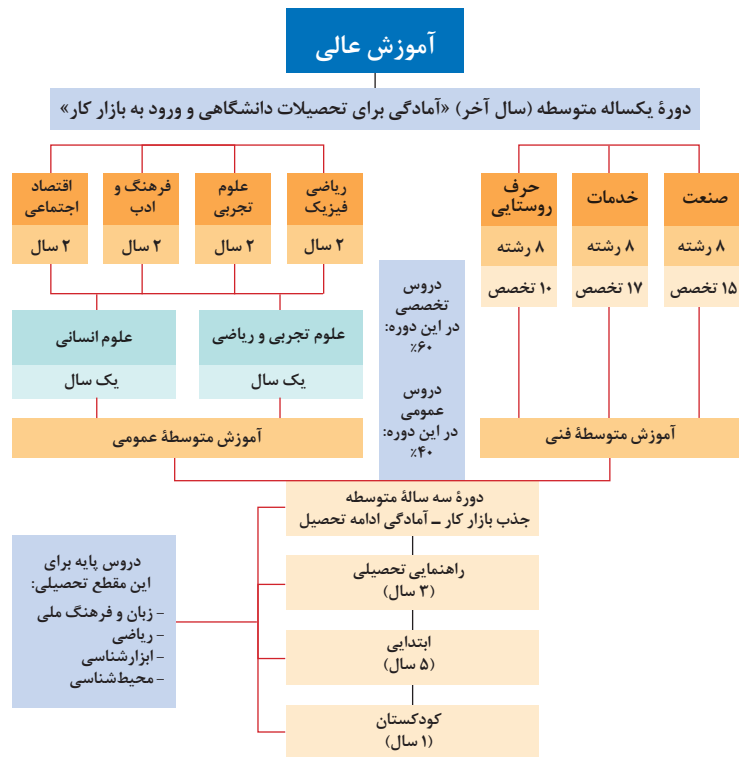
## دوره پنجم نظام جدید آموزش و پرورش کشور از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۳<sup>۲</sup>

طراحی نظام آموزش و پرورش کشور که از سال ۱۳۴۲ آغاز شده بود، در سال ۱۳۴۳ پایان یافت و حاصل آن با عنوان «سازمان جدید مدارس کشور» به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش رسید. از سال ۱۳۴۳، این نظام در همه مدرسه‌های ایران از اولین سال

ابتدایی رسماً به مرحله اجرا گذاشته شد. ساختار و شکل این نظام به صورت زیر است: توجه نوشته‌اند طرح اولیه دوره راهنمایی سه شاخه داشته است، اما در متن فقط دو شاخه آن را توضیح داده‌اند. لطفاً بررسی شود.



نمودار ۳. ساختار نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۵۳



نمودار ۴. شکل کلی نظام آموزشی ایران در سال ۱۳۴۵

به موجب این طرح همهٔ کودکان واجب‌التعلیم می‌توانستند از پنج‌سالگی وارد مدرسه شوند و پس از گذراندن یک‌سال «دورهٔ آمادگی<sup>۲</sup>» در کودکانستان، تحصیل خود را در مرحلهٔ اول تعلیمات عمومی آغاز کنند. مدت دورهٔ ابتدایی پنج‌سال و هدف آن صرفاً خواندن، نوشتن و حساب کردن بود. مرحلهٔ دوم تعلیمات عمومی که «دورهٔ راهنمایی تحصیلی» نام داشت، از ۱۱ سالگی آغاز می‌شد و مدت آن سه سال بود. هدفش نیز راهنمایی و هدایت دانش‌آموزان به رشته‌های مورد نیاز کشور بود که باید مطابق علاقه، استعداد و توان آن‌ها صورت می‌گرفت. دورهٔ سه‌سطر راهنمایی در طرح اول سه‌شاخه داشت: شاخهٔ اول، دورهٔ سه‌سالهٔ راهنمایی تحصیلی بود. که دانش‌آموزان را به رشته‌های متفاوت نظری، علوم تجربی، ریاضی-فیزیک، و علوم انسانی هدایت می‌کرد.

شاخهٔ دوم ابتدا دو سال بود و در عمل به سه سال افزایش یافت و «آموزش حرفه‌ای مقدماتی» نامیده می‌شد. در این شاخه برای افراد کم‌توان از حیث تحصیلی نیز یک دورهٔ یک‌ساله گذاشتند تا آن‌ها را برای شغل‌های سبک آماده کنند که بعداً این دوره به نام «دورهٔ آموزش کشاورزی» یا «دورهٔ آموزش عشایری» معروف شد تا در مناطق روستایی و عشایری اجرا شود که هرگز اجرا نشد.

در پایان دورهٔ راهنمایی، دانش‌آموزان به چهار گروه مشخص تقسیم می‌شدند که می‌توانستند وارد دورهٔ سه‌سالهٔ متوسطه شوند. این تقسیم‌بندی براساس میانگین کل نمره‌های آن‌ها در دورهٔ راهنمایی و یا میانگین نمره‌های آن‌ها در امتحان نهایی صورت می‌گرفت و آنان را به رشته‌های سه‌گانهٔ نظری (علوم تجربی، ریاضی-فیزیک، و علوم انسانی) هدایت می‌کرد و با اگر در شرایطی قرار می‌گرفتند که نمی‌توانستند وارد دوره‌های نظری شوند، به دوره‌های سه‌سالهٔ «آموزش متوسطهٔ فنی» هدایت می‌شدند.

دورهٔ سه‌سالهٔ متوسطهٔ نظری نیز دو دورهٔ یک‌ساله و دو ساله (عمومی و اختصاصی) داشت که دورهٔ یک‌سالهٔ آن معمولاً بین دو رشتهٔ علوم تجربی و ریاضی مشترک بود. دورهٔ دو سالهٔ تخصصی آموزش متوسطهٔ اول سه رشته داشت: ریاضی-فیزیک، علوم تجربی، و





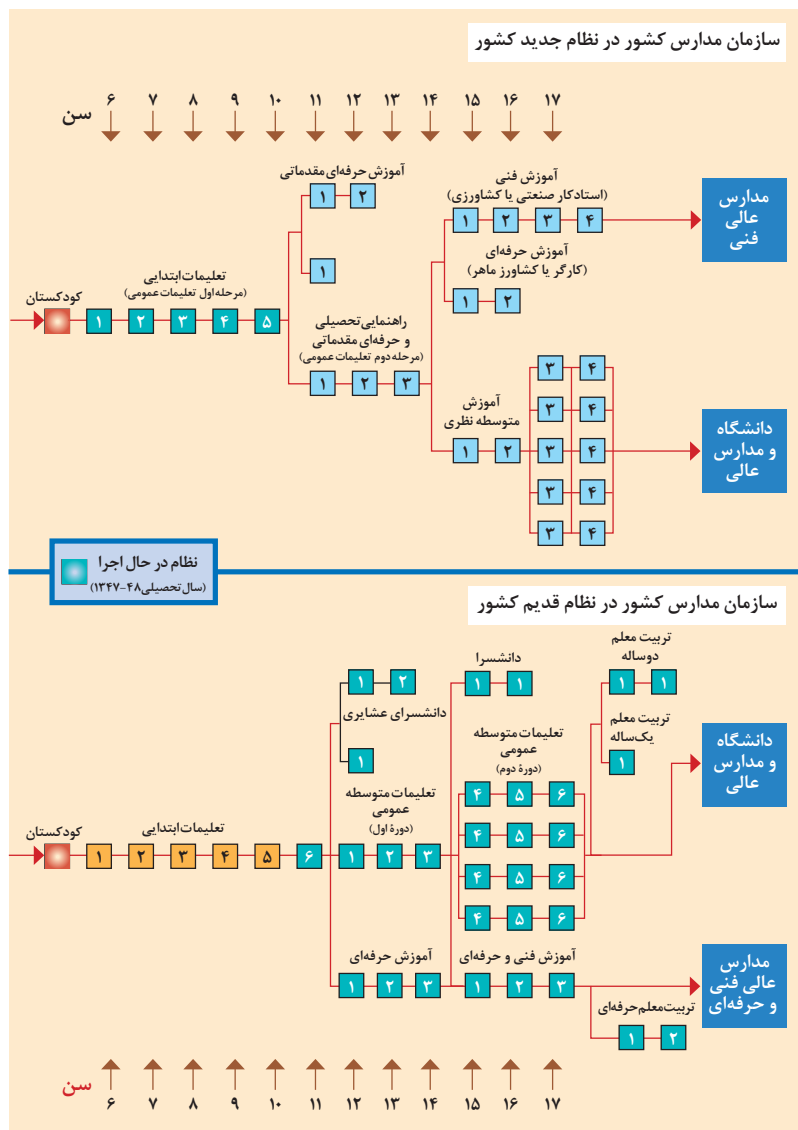
فرهنگ و ادب. بعدها رشته جدیدی به نام «اقتصاد اجتماعی» نیز به آن افزوده شد. دوره آموزش متوسطه فنی نیز در سه بخش صنعت، خدمات و حرف روستایی، ۱۷ رشته را در ۴۲ تخصص ارائه می‌داد (صنعت هشت رشته با ۱۵ تخصص، خدمات پنج رشته در ۱۷ تخصص و حرف روستایی چهار رشته در ۱۰ تخصص).

دو سال آخر دوره متوسطه در چهار رشته کاملاً اختصاصی (ریاضی- فیزیک، علوم تجربی، فرهنگ و ادب، اقتصاد اجتماعی) اجرا می‌شد و قرار بود پس از این دوره، دانش‌آموزان مدرک دیپلم بگیرند، وارد بازار کار شوند و نیاز دستگاه‌های اجرایی دولتی، خصوصی و مؤسسات صنعتی را از نظر پشتیبانی، خدمات فنی و صنعتی تأمین کنند. در پایان نظام، درصد معینی از دانش‌آموزان که طالب تحصیلات عالی بودند، موظف شدند یک دوره یک‌ساله را به نام «آمادگی برای تحصیلات دانشگاهی و ورود به بازار کار» (بعدها به نام پیش‌دانشگاهی شهرت یافت) طی کنند. ولی این طرح در نوبت اجرا با مشکلات فراوان اجرایی مواجه شد و به شکست انجامید و هرگز اجرا نشد.<sup>۴</sup>

بخش‌های مختلف نظام با انعطاف و احتیاط تمام اجرا می‌شدند و هرکجا که نیاز به اصلاح داشت، موضوع را در «کنفرانس ارزشیابی نظام جدید آموزشی» که در شهریور ماه هر سال تشکیل می‌شد، مطرح و پس از تأیید ابلاغ می‌کردند و یا مطابق قطعنامه کنفرانس به مرحله اجرا می‌گذاشتند. اجرای نظام تا سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷، سال به سال، در دو خط موازی قدیم و جدید پیش می‌رفت و هر پایه جدید که آغاز می‌شد، پایه قدیم و هم‌نام آن حذف می‌شد. در این سال دانش‌آموزان نظام جدید به پایان دوره ابتدایی رسیدند و دانش‌آموزان نظام قدیم وارد سال ششم ابتدایی شدند که چند مشکل پیش آمد:

- دوره راهنمایی کجا تشکیل شود؟
- در دبستان، ادامه دوره ابتدایی؟
- دبیرستان، جای دوره اول متوسطه؟
- به‌طور مستقل، با تشکیلات و مدیریت جدید؟

بدیهی است که شق سوم مورد نظر بود، ولی تأسیس صدها مدرسه راهنمایی و تشکیل حدقل ۳۰ هزار کلاس اول راهنمایی در سراسر ایران، و تأمین معلم و تهیه امکانات و تجهیزات، عملاً امکان‌پذیر نبود و کلاس‌های ششم ابتدایی و سال اول دبیرستان نیز خالی نبودند که به‌عنوان جایگزین مورد استفاده قرار گیرند. ناگزیر بعضی از دبیرستان‌ها را به مدرسه راهنمایی تبدیل کردند و دانش‌آموزان آن‌ها را در مدرسه‌های دیگر در دو نوبت یا سه نوبت ادغام کردند. در بعضی نقاط هم ابتدایی و راهنمایی یا راهنمایی و متوسطه یکی شدند. در این زمان سرگرمی دولت با برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شاهی، مانع می‌شد که این مشکلات به راحتی حل شوند. نمودار ۵ وضعیت تحصیل دانش‌آموزان را در نظام قدیم و جدید و در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۷۴ نشان می‌دهد.



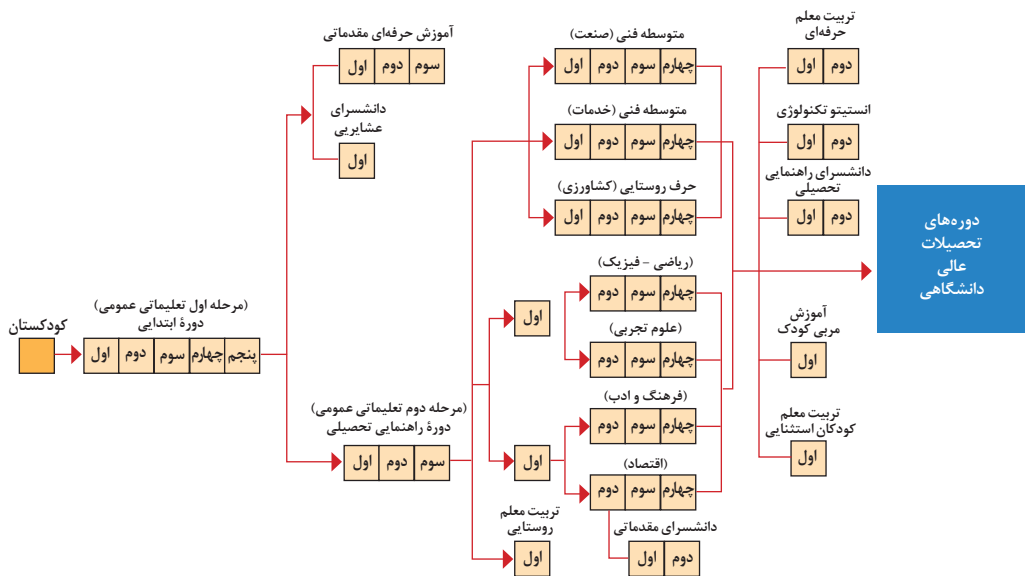
**نمودار ۵. وضعیت تحصیل دانش آموزان در نظام قدیم و جدید و در سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷**

## دوره ششم نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)

طرح جدید نظام آموزشی ایران که اجرای آن به موازات نظام قدیم، از سال ۱۳۴۳ آغاز شده بود، در سال ۱۳۵۳ در مرحله اجرا، به دوره دبیرستان رسید. دانش آموزانی که دوره

پنج‌ساله ابتدایی و دوره سه ساله راهنمایی را با موفقیت گذرانده بودند، اینک در آستانه ورود به دوره متوسطه و پس از آن در آرزوی ورود به دانشگاه قرار گرفتند. طرح تفصیلی نظام آموزشی دوره متوسطه فقط یک دوره سه ساله اول را ترسیم می‌کرد و دورنمای سال چهارم متوسطه (یعنی دوره پیش‌دانشگاهی یا مقدمه ورود به دانشگاه) مبهم بود. دانش‌آموزان در این امید بودند که دوره پیش‌دانشگاهی به جای کنکور می‌نشینند و کنکور حذف می‌شود، ولی نشد. ناگزیر دانش‌آموزان را در انتخاب یکی از دو نظام جدید و قدیم در دوره متوسطه آزاد گذاشتند و آنان نیز در انتخاب مردد ماندند.

در ابلاغ رسمی نظام جدید آموزش متوسطه مهرماه ۱۳۵۴ رسماً اعلام شد: «برابر تصمیمات قطعنامه هشتمین کنفرانس ارزشیابی انقلاب آموزشی، چگونگی آموزش در سال چهارم دبیرستان به‌وسیله کمیسیون مشترکی (از طرف وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم و آموزش عالی) در دست مطالعه است که نتیجه آن قریباً اعلام خواهد شد»<sup>۵</sup> از اقدامات این کمیته اطلاعی در دست نیست، اما نتایج بعدی نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران نظام از موفقیت طرح پیش‌دانشگاهی مأیوس شده بودند و ناگزیر آن را حذف کردند. به جای آن یک سال (سال چهارم) به دوره متوسطه اضافه شد و ساختار نظام آموزشی ایران در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ رسماً به‌صورت زیر ابلاغ شد.



نمودار ۶. ساختار نظام آموزش و پرورش ایران - ۱۳۵۷

این نظام با تغییرات جزئی و اصلاح محتوا تا سال‌های آخر دهه ۶۰ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

## دوره هفتم نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۲ (اجرای نظام جدید آموزش متوسطه)

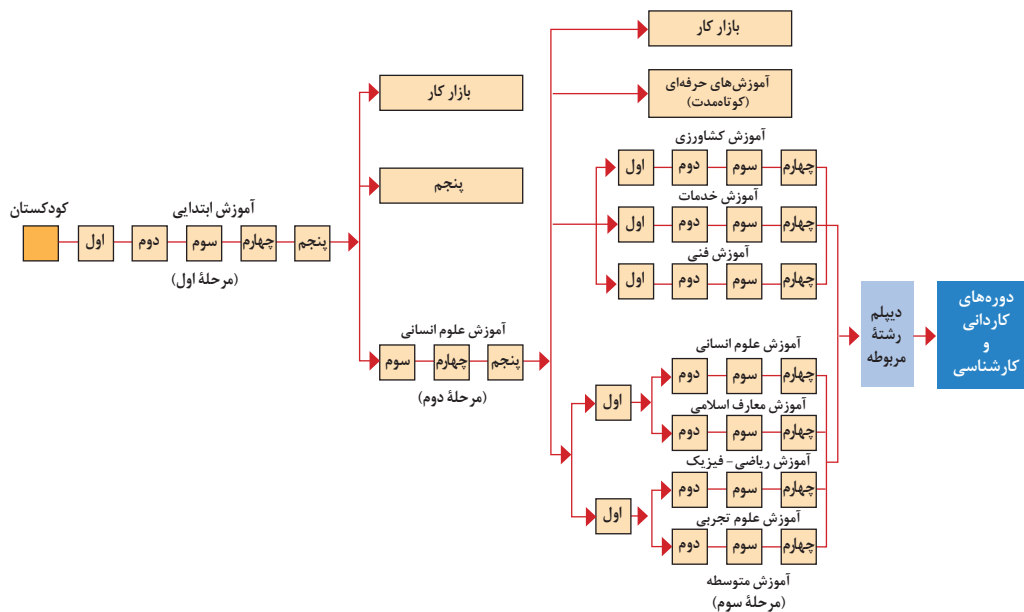
اندیشه تغییر  
بنیادی نظام  
آموزشی به عنوان  
پایه و اساس  
انقلاب فرهنگی  
از همان ابتدای  
پیروزی انقلاب  
اسلامی در  
اذهان متفکران  
تعلیم و تربیت  
ایران شکل گرفت

اندیشه تغییر بنیادی نظام آموزشی به عنوان پایه و اساس انقلاب فرهنگی از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در اذهان متفکران تعلیم و تربیت ایران شکل گرفت و مردم نیز از این اندیشه، به صورت امری اجتناب ناپذیر، استقبال کردند، «تحقیق مقدماتی در این جهاد فرهنگی از ابتدای سال ۱۳۵۸ به صورت پراکنده و خودجوش، به همت افراد و گروه‌های مختلف آغاز و نتیجه بررسی‌ها به صورت مقاله، طرح و پیشنهاد به شورای انقلاب، دفتر طرح‌های انقلاب وابسته به نخست وزیری و دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش ارائه گردید.»<sup>۶</sup>

در این زمان دوره جدید شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب شورای انقلاب آغاز به کار کرد و این شورا در اولین نشست خود موضوع انقلاب فرهنگی، تغییر بنیادی نظام آموزشی کشور را مورد بحث و بررسی قرار داد. و در نخستین تصمیمات خود دفاتر تحقیقات و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش را مأموریت داد که هر چه زودتر تحقیقات خود را پیرامون تغییر بنیادی نظام آموزشی آغاز نماید و این دفتر نیز به عنوان ستاد اجرایی به جذب خبرگان، استادان و اندیشمندان تعلیم و تربیت و بسیج معلمان در این امر مهم پرداخت و با تشکیل واحدهای تحقیقاتی در دو محور اساسی زیر کار خود را از مرداد ماه سال ۱۳۵۸ رسماً آغاز کرد.

**محور اول:** اصلاح و تکمیل برنامه‌ها و محتوای آموزشی و پاکسازی کتاب‌های درسی و هماهنگی آن‌ها با اهداف انقلاب بود که در یک بسیج عمومی از برنامه‌ریزان، معلمان و استادان بدون توقف نظام به صورتی نه چندان آرمانی صورت گرفت و راه را برای تغییر بنیادی نظام هموار کرد. در این زمان امکان توقف نظام و بازسازی آن حین توقف فراهم نبود، ناگزیر اقدامات نمی‌توانست اصولی و پایدار باقی بماند لذا برای اینکه زمینه تحقیق روی تغییر بنیادی نظام آموزشی باز باشد و همه توان دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت کشور روی این امر مهم متمرکز گردد، ناگزیر نظام آموزشی زیر با جزئی اصلاحات مورد تأیید شورای عالی آموزش و پرورش قرار گرفت و تا سال ۱۳۷۰ قانونی و ثبت شد.

**محور دوم:** جمع‌آوری، تنظیم و انتشار مجموعه‌ها و تحقیقات بود که در ابعاد ذیل صورت گرفت «بررسی مسائل و مشکلات آموزشی در ایران، بررسی نظام‌های آموزشی در جهان، بررسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی، استخراج اهداف تعلیم و تربیت از متن قانونی اساسی، جمع‌آوری نظریات و دیدگاه‌های مدیران انقلاب، اصول و اهداف تعلیم و تربیت در نظام‌های آموزشی ایران، جمع‌آوری نظرات گروه‌ها انجمن‌ها، شوراهای و نهادهای انقلابی، بررسی فلسفه وجودی برخی از برنامه‌های درسی و مقررات آموزشی موجود و شناسایی صاحب‌نظران متعهد و متخصص و جلب مشارکت آن‌ها.



## نمودار ۷. نظام آموزش و پرورش قدیم تا سال ۱۳۷۰

به‌منظور بررسی و ارائه کارهای انجام شده و برنامه‌ریزی تمام امور در دست اقدام، در اوائل سال ۱۳۵۹ نخستین گردهمایی تغییر بنیادی نظام آموزشی با شرکت صاحب‌نظران، مسئولان تعلیم و تربیت، استادان دبیران متخصص، نمایندگان گروه‌ها و نهادهای ذی‌ربط در وزارت آموزش و پرورش تشکیل شد و در این گردهمایی، در ۳ جلسه عمومی و چندین کمیته تخصصی، همه ابعاد مسأله تغییر بنیادی نظام آموزشی مورد بحث و بررسی قرار گرفت، توصیه‌هایی برای ادامه کار و حصول نتیجه نهایی ارائه گردید و ستادی نیز به منظور پی‌گیری امور تشکیل شد، هم‌زمان متأثر از مسائل سیاسی روز اختلاف نظرها آغاز شد و گروه‌های سیاسی هر کدام درصد برآمدند این طرح ملی را به سمت اهداف مورد نظر خود سوق دهند و در مورد تغییر نظام سیاسی، مطالب گوناگون و ضد نقیض مطرح شد که به جای نقد فرهنگی بیشتر جنبه سیاسی داشت<sup>۱</sup> و همین موجب توقف کار گردید سرانجام فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی در ۲۳ خرداد ماه ۱۳۵۹ از سوی حضرت امام صادر شد و این ستاد طرح نظام آموزشی کشور را از دبستان تا سطح آموزش عالی در دستور کار خود قرار داد و بر این اساس شورایی تحت عنوان شورای آموزش و پرورش عمومی تشکیل داد اما مسأله بازگشایی دانشگاه‌ها و اصلاح برنامه‌های درسی دانشگاهی، مانع این بود که ستاد انقلاب فرهنگی در رهبری و هدایت شورای تغییر و بنیادی نظام فعال باشد از این رو کار تغییر بنیادی کم‌کم کند و در بعضی امور عملاً متوقف شد ولی

اصلاح نظام موجود آموزش و پرورش کماکان ادامه داشت و فعالیت‌های چشمگیری در آن صورت گرفت.<sup>۹</sup>

سرانجام در سال ۱۳۶۳ با تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی فعالیت شورای تغییر بنیادی نظام نیز مجدداً آغاز شد و توجه مسئولان امر به این مسأله مهم، بار دیگر جلب گردید در سال ۱۳۶۴ طرحی از طرف ۳۸ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی تحت عنوان «وظایف وزارت آموزش و پرورش» به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شد، در این طرح علاوه بر وظایف وزارتخانه، تغییر ساختار نظام آموزشی و تغییر پاره‌ای از اهداف و اصول تعلیم و تربیت نظام نیز اشاره شده بود (طرح مزبور با اصلاحاتی که در آن به عمل آمد در اسفند ماه ۱۳۶۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید).

شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در پنجاه و نهمین جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ تشکیل شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را با ترکیب جدید تصویب و ابلاغ کرد.

### تشکیل شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، مصوب پنجاه و نهمین جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی

بنا به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش، موافقت می‌گردد که به منظور انجام بررسی‌های لازم و ارائه طرح پیشنهادی جهت تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش شورایی بنام «شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش» با ترکیب ذیل تشکیل شود:

۱. دو تن از استادان حوزه علمیه.
۲. سه تن از معاونان وزارت آموزش و پرورش (معاون آموزشی، معاون پرورشی و معاون فنی و حرفه‌ای<sup>(۱)</sup>).
۳. سه تن از اعضاء شورای عالی برنامه‌ریزی شورای عالی انقلاب فرهنگی (از گروه‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی) به انتخاب رئیس شورای عالی برنامه‌ریزی.
۴. یک تن از اعضا شورای عالی آموزش و پرورش به انتخاب آن شورا.
۵. یک تن از اعضای کمیسیون آموزش و پرورش مجلس شورای اسلامی.
۶. دو تن از معلمان آگاه و متعهد وزارت آموزش و پرورش به انتخاب وزیر آن وزارتخانه (حداقل یک تن از ایشان باید از میان خواهان باشد).
۷. یک تن از کارشناسان یا متخصصان وزارت برنامه و بودجه به انتخاب وزیر آن وزارتخانه.

این شورا لازم است طرح پیشنهادی خود را حداکثر تا پایان شهریور ماه ۱۳۶۵ تهیه و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم نماید. ضمناً احکام اعضاء شورا توسط وزیر آموزش و پرورش صادر و ابلاغ خواهد شد.

این شورا که کار خود را از ۱۳۶۵/۱/۲۷ آغاز کرد طی ۷۰ جلسه کار مداوم و تشکیل

سمینارها و گردهمایی‌ها، سرانجام در خردادماه ۱۳۶۷ کار خود را پایان برد و طرحی کامل از تغییر بنیادی نظام آموزشی کشور «کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» تهیه و به مجلس و مراجع ذی‌ربط تسلیم کرد.

این طرح از دو قسمت و هر قسمت از چند مرحله تشکیل شده است و قسمت اول آموزش و پرورش عمومی است و مرحله اول آموزش و پرورش عمومی دوره اساس نامیده می‌شود که طول این دوره دو سال و گذراندن آن برای همه نوآموزانی که ۵/۵ سال تمام داشته باشند اجباری است. این مرحله از آموزش مهم‌ترین مراحل تعلیم و تربیت و شالوده و اساس مراحل بعدی قلمداد شده است در شرح تفصیلی اهداف این دوره در ۱۹ بند و ویژگی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی درسی آن در ۱۴ بند با توصیه‌های اجرایی به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است (صفحه ۸۷).

مرحله دوم آموزش و پرورش عمومی، ارکان نامیده می‌شود. طول این دوره چهار سال است کلیه نوآموزانی که آموزش و پرورش مرحله اساس را گذرانده به مرحله ارکان پذیرفته می‌شوند (صفحه ۹۰)

مرحله سوم آموزش و پرورش عمومی، ارشاد نام دارد طول این دوره سه سال است که به جای دوره راهنمایی است و هدف آن هدایت دانش‌آموزان در مرحله انتقالی بین کودکی و نوجوانی و آماده‌سازی او برای انتخاب مسیرهای مختلف زندگی منطبق با استعداد و علاقه وی، نیازها و امکانات کشور است. (صفحه ۹۲)

قسمت دوم دوره آموزش‌های فراگیر، علمی- کاربردی است. این دوره پس از دوره ۹ ساله آموزش عمومی آغاز می‌شود و قبل از ورود به جامعه و بازار کار یا ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی برای هرکس نوعی آموزش پیشرفته و یا تربیت حرفه‌ای است این نوع آموزش‌ها برحسب هدف و مقصد به دو شاخه تقسیم می‌شوند. (صفحه ۱۱۲)

#### ۱. آموزش‌های متوسط فراگیر؛ ۲. حرفه‌آموزی

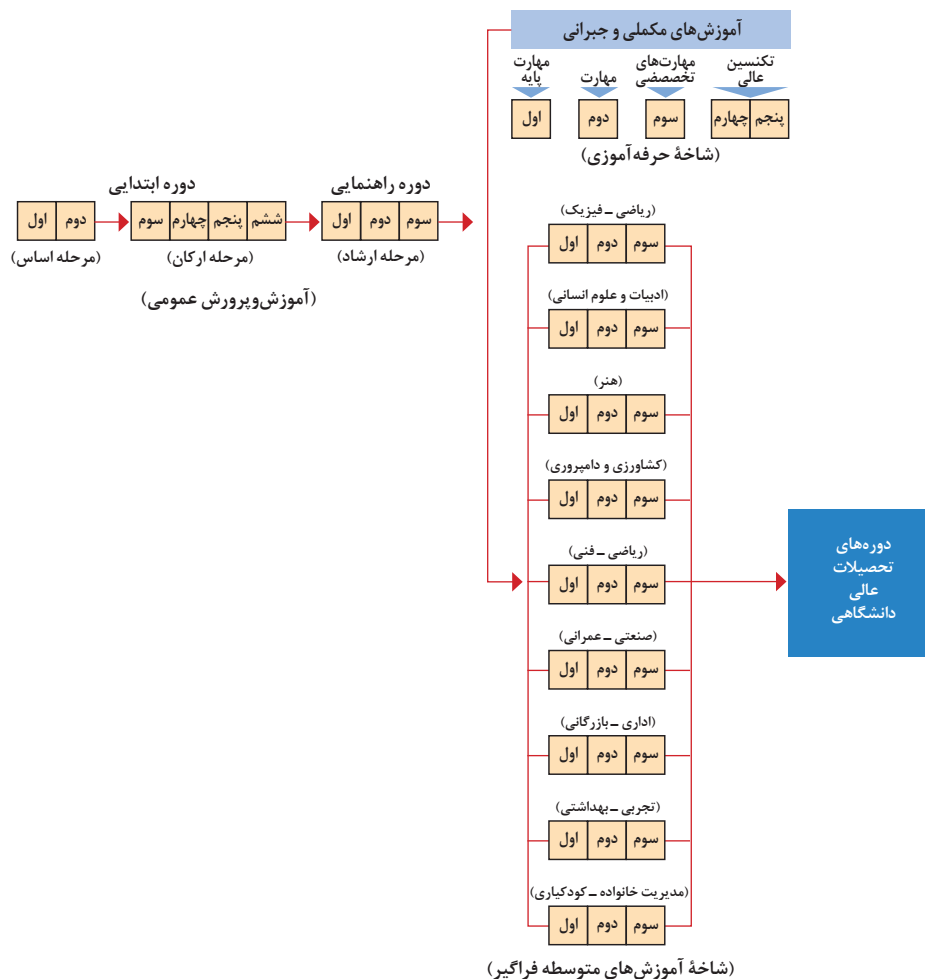
طول دوره آموزش‌های متوسط فراگیر سه سال است و در ادامه آموزش عمومی است و سرانجام به دریافت مدرک دیپلم متوسطه می‌انجامد که مدرکی است برای ورود به دانشگاه‌ها و ادامه تحصیل در مؤسسات آموزش عالی.

هدف دوره‌های حرفه‌آموزی، تربیت نیروی انسانی ماهری است که فکر و استعدادش در زمینه‌های مورد علاقه و مورد نیاز جامعه به‌طور همه جانبه، پرورش یافته و به کار گرفته شود. در شاخه حرفه‌آموزی، طول دوره‌ها متغیر است و به تناسب نوع و درجه مهارت تعیین می‌شود و گواهینامه‌های مهارت در این شاخه دارای درجات زیر است (صفحه ۱۱۹)

● **درجه ۴:** (گواهینامه مهارت‌های پایه یا حرفه‌آموزی مقدماتی) طول دوره معادل یکسال تحصیلی است.

● **درجه ۳:** (گواهینامه مهارت)، طول این دوره معادل یکسال بعد از مهارت پایه است.

- **درجه ۴:** (گواهینامه مهارت تخصصی یا سرپرستی و مدیریت) برای دارندگان گواهینامه درجه ۳ که موفق به اخذ دیپلم عمومی شده‌اند. طول این دو متغیر است.
- **درجه ۱:** (گواهینامه تکنسین عالی معادل فوق دیپلم) برای دارندگان گواهینامه درجه ۲ یا دارندگان دیپلم «گرایش اصلی» نمودار زیر ساختار کلی نظام آموزش و پرورش را در طرح پیشنهادی نشان می‌دهد.<sup>۱۱</sup>



#### نمودار ۸. ساختار نظام آموزشی ایران در طرح کلیات نظام جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۶۷

در این طرح غیر از تبیین مبانی و تعیین اهداف کلی، قانون اساسی تعلیم و تربیت ایران در چند فصل شامل: کلیات، برنامه‌ریزی، محتوا و روش‌ها، معلم، دانش‌آموز، مدیریت، سازمان و



- تشکیلات اداری و مشکلات مردمی و در ۷۶ اصل تحت عنوان «اصول حاکم بر آموزش و پرورش» به تفصیل و با تشریح جزئیات، آمده است (صفحه ۵۰-۸۲) عناوین این اصول عبارتند از:
۱. محور قراردادن قرآن و سنت معصومین (ع)؛ ۲. بازشناسی فرهنگ و تمدن مسلمین؛
  ۳. تقدم تزکیه بر تعلیم؛ ۴. تعمیم تربیت بدنی؛
  ۵. اولویت تعلیم و تربیت دینی؛ ۶. توجه به امر پرورش؛
  ۷. ارتباط اجزاء نظام؛ ۸. استفاده از تجارب و دستاوردهای بشری؛
  ۹. هماهنگی با مراجع و مراکز سیاستگذاری جامعه؛ ۱۰. همگانی بودن آموزش و پرورش؛
  ۱۱. اجباری بودن آموزش و پرورش عمومی؛ ۱۲. تعلیم و تربیت مستمر و رفع کاستی‌های آموزشی؛
  ۱۳. اولویت برخورداری از امکانات؛ ۱۴. توزیع عادلانه امکانات؛
  ۱۵. رعایت مقتضیات محیط؛ ۱۶. عدم وابستگی؛
  ۱۷. توجه به مراحل رشد و بلوغ؛ ۱۸. بازشناسی هویت اسلامی زن؛
  ۱۹. رشد همه جانبه و هماهنگ؛ ۲۰. ارزیابی و اصلاح؛
  ۲۱. هماهنگی بین سطوح و انواع آموزش‌ها؛ ۲۲. انعطاف‌پذیری؛
  ۲۳. ارزش خاص رشته‌های تحصیلی؛ ۲۴. ارزش کار و فعالیت‌های یدی؛
  ۲۵. پرورش توان تفکر، نقد و ابتکار؛ ۲۶. توجه به هنر؛
  ۲۷. ورزش؛ ۲۸. تعاون و کار جمعی؛
  ۲۹. بهداشت و پاکیزگی؛ ۳۰. حفظ محیط زیست؛
  ۳۱. آموزش‌های دفاعی؛ ۳۲. توجه به تکنولوژی و مواد آموزشی؛
  ۳۳. توأم ساختن تعلیم و تربیت و تعلم؛ ۳۴. هدایت تحصیلی؛
  ۳۵. هدایت تحصیلی دختران؛ ۳۶. توأم ساختن علم و تجربه؛
  ۳۷. نظم و انضباط و آداب فردی و اجتماعی؛ ۳۸. تقویت بینش سیاسی و اجتماعی و اعتماد به نفس دختران؛ ۳۹. تحکیم روابط خانوادگی؛
  ۴۰. توجه به آموزش فنی و حرفه‌ای؛ ۴۱. انتخاب معلم؛
  ۴۲. جایگاه معلم در نظام آموزش و پرورش؛ ۴۳. تمام وقت بودن معلم؛
  ۴۴. مقام و منزلت معلم؛ ۴۵. رفاه معلم؛
  ۴۶. معیار ارتقاء و همسانی منزلت‌ها؛ ۴۷. اولویت گسترش تربیت معلم؛
  ۴۸. تعلیم و تربیت مستمر کارکنان؛ ۴۹. هماهنگی برنامه‌های تربیت معلم با نوآوری‌ها و پژوهش؛ ۵۰. استفاده پاره‌وقت از متخصصان؛
  ۵۱. توجه به علائق و خصوصیات فردی ۵۲. توجه به ویژگی‌های دختران و پسران؛
  ۵۳. رفع موانع تحصیلی و تأمین امکانات خاص آموزش و پرورش دختران؛
  ۵۴. تحصیل زنان متأهل؛ ۵۵. توجه به دانش‌آموزان محروم؛
  ۵۶. اولویت فرزندان شهدا؛ ۵۷. توجه به آموزش و پرورش کودکان استثنایی؛
  ۵۸. واگذاری مسئولیت به دانش‌آموزان؛ ۵۹. توجه به اوقات فراغت؛
  ۶۰. عدم تمرکز؛ ۶۱. شورا در نظام آموزش و پرورش؛
  ۶۲. تناسب سازمان و تشکیلات با ویژگی‌های نظام؛ ۶۳. آموزش و پرورش عشایر؛

۶۴. نظام پژوهش و گردآوری اطلاعات؛ ۶۵. نظام نظارت و هدایت؛  
 ۶۶. تناسب مسئولیت‌ها و اختیار؛ ۶۷. تأمین و تربیت مدیر؛  
 ۶۸. مناسبات و روابط بر پایه اعتماد؛ ۶۹. مشارکت مردمی؛  
 ۷۰. ارتباط و هم‌جهتی آموزش و پرورش و عالی؛ ۷۱. مشارکت سایر مؤسسات؛  
 ۷۲. هماهنگی با نهادهای فرهنگی؛ ۷۳. ارتباط متقابل آموزش و پرورش با حوزه‌های علمیه؛  
 ۷۴. ارتباط خانه و مدرسه؛ ۷۵. آموزش و پرورش قبل از تحصیلات رسمی؛  
 ۷۶. تأکید بر واگذاری مسئولیت به بانوان.

طرح تفصیلی نظام جدید آموزشی پیشنهادی شورای تغییر بنیادی نظام در سال ۱۳۶۷

به‌صورت زیر است:<sup>۱۲</sup>



**نمودار ۹. ساختار نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران**

## دوره هشتم نظام آموزشی ایران از سال ۱۳۶۷ تا سال ۱۳۸۰ (نظام جدید آموزش متوسطه)<sup>۱۳</sup>

با تسلیم لایحه تغییر بنیادی نظام آموزشی کشور به مجلس شورای اسلامی، به شورای عالی انقلاب فرهنگی و به مراجع ذی‌ربط، که توسط شورای تغییر بنیادی نظام در خردادماه ۱۳۶۷ صورت گرفت، فعالیت این شورا عملاً متوقف گردید و این همزمان با تعویض وزارت و جابه‌جایی مسئولان و متولیان امر در وزارت آموزش و پرورش بود. وزیر جدید و معاونان آن بر طرح پیشنهادی ایراداتی وارد کردند و موفقیت طرح را به‌خصوص در بخش آموزش متوسطه مورد تردید قرار دادند و حالیکه در گزارش توجیهی رئیس شورای تغییر بنیادی نظام، به وزیر وقت آموزش و پرورش، تلویحاً موفقیت طرح تضمین شده بود. و آن را حلال مشکلات آموزش و پرورش می‌دانستند در این گزارش آمده است:

«از میان مزایای مهم و فراوان طرح، دو مزیت بسیار قابل توجه و تأمل است.»  
**الف.** داشتن چهار چوب و قالبی پیوسته و محکم که تقریباً تمام اجزاء آن هماهنگ، منسجم و متلائم است و با یکدیگر پیوندی منطقی دارند و مبانی، اهداف و اصول آن است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از دین و تعلیم و تربیت دینی گرفته شده‌اند.  
**ب.** برخورداری از دوره آموزش فراگیر علمی - کاربردی است که پس از مزیت اول بیت‌الغزل، جانمایه و رکن اصلی طرح است برای آموزش متوسطه یعنی پیچیده‌ترین و مشکل‌بارترین بخش آموزش و پرورش، ... طرح حاضر حاوی نقاط قوت همه آن‌ها است و همه اعضای شورا مطلوب خود را در آن یافته‌اند و آن را حلال بیشتر مشکلات آموزش و پرورش می‌دانند.<sup>۱۴</sup>

معهداً طرح پیشنهادی شورای تغییر بنیادی نظام در خرداد ماه ۱۳۶۷ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و همزمان مجلس شورای اسلامی نیز کار بررسی خود را روی این طرح در کمیسیون آموزش و پرورش آغاز کرد. شورای عالی انقلاب فرهنگی وزیر جدید آموزش و پرورش را موظف کرد که موجبات اجرای طرح را فراهم سازد و طرح تفصیلی و برنامه‌های اجرایی آن را تهیه نماید و هیئتی نیز مرکب از وزیر و ۴ تن از معاونان وزارت آموزش و پرورش، سه تن از اعضای شورای تغییر بنیادی نظام، نمایندگان وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی به چند صاحب‌نظر نیز تعیین شدند که طرح‌های و برنامه‌های اجرایی را نظارت و هدایت نمایند «بعدها با تغییراتی که در ترکیب اعضای شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش پدید آمد این هیئت جایگزین آن شورا گردید و به این ترتیب دوره جدیدی در فعالیت شورا پدید آمد» (صفحه ۱۴)

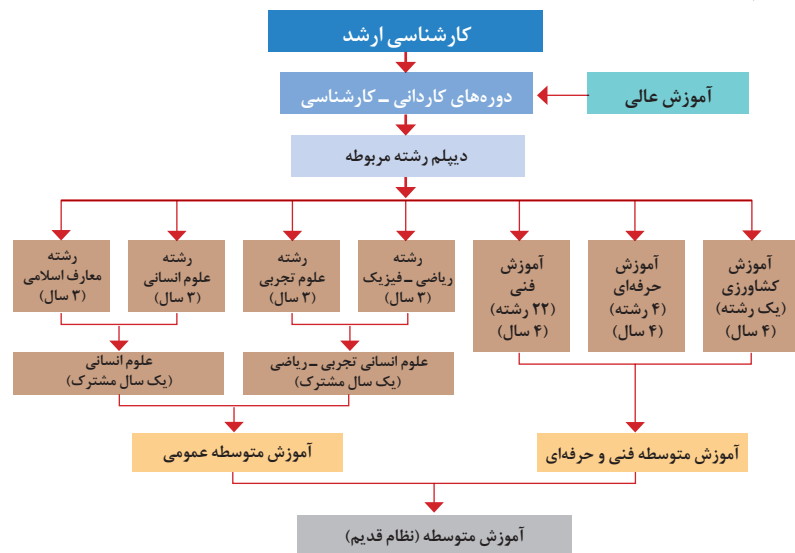
این هیئت از مهر ماه ۱۳۶۸، با تشکیل ۷ کمیسیون (پیش‌دستانی، راهنمایی تحصیلی، متوسطه فراگیر و فنی حرفه‌ای تأمین و تربیت نیروی انسانی، نظام اداری و تشکیلاتی، برنامه‌ریزی توسعه و فعالیت‌های تربیتی) کار خود را آغاز کرد. و پس از چند ماه فعالیت کمیسیون‌ها به این نتیجه رسید که «اجرای همزمان و یکپارچه طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش میسر نیست» (صفحه ۱۶) دلایلی که بر این امر ذکر شد عبارت بودند

از: «شرایط خاص کشور در دوران بازسازی، اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، عدم امکان تجهیز منابع مالی و تأمین نیروی انسانی کافی، بالا بودن تقاضای اجتماعی برای آموزش ساختار موجود اقتصادی، عدم آمادگی نسبی جامعه برای تأمین منابع، تمرکز در تشکیلات دولتی و نبودن مشارکت مردمی و ...» بدین ترتیب هیئت بررسی، اجرای کامل طرح را ممکن، به صلاح و ضروری ندانست و نظر به اهمیت دوره آموزش متوسطه نسبت به اصلاح و اجرای این دوره اقدام کرد.

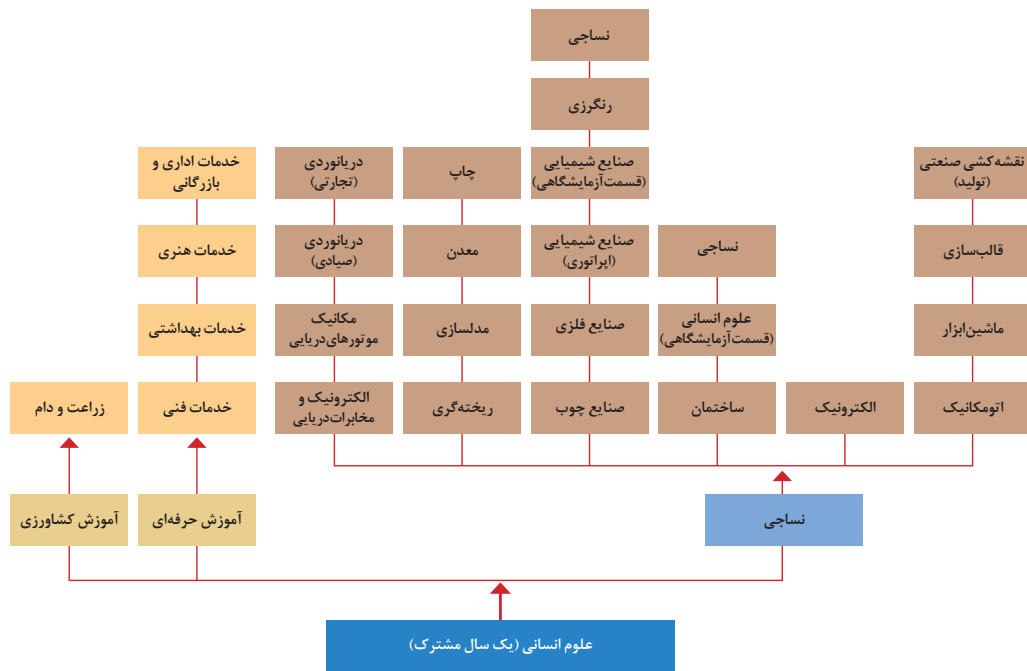
«در خرداد ماه ۱۳۶۹ گروهی مرکب از ۴ تن از اعضای کمیسیون دوره متوسطه فراگیر فنی و حرفه‌ای و دو نفر از صاحب‌نظران مسائل آموزش و پرورش و دانشگاه مأموریت یافت طرح اجرایی انتقال به آموزش متوسطه مطلوب را بر مبنای دوره متوسطه علمی - کاربردی تهیه کند» (صفحه ۲۱). این طرح تهیه و برای تصویب به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال گردید و این شورا نیز کلیات آن را تصویب و برای بررسی جزئیات به شورای عالی برنامه‌ریزی فرستاد و این شورا نیز طرح را با اصلاحاتی مورد تأیید قرار داده به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارسال کرد و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز پس از بحث و بررسی سرانجام آن را تصویب و به وزارت آموزش و پرورش ابلاغ کرد. (ضمیمه ۳)

«در این طرح فارغ‌التحصیلان دوره راهنمایی، تحصیلی، بر اساس علاقه، استعداد و عملکرد آموزشی خود در دوره تحصیل و پس از سنجش آمادگی ورود آن‌ها به دوره متوسطه به یکی از مسیرهای زیر هدایت می‌شوند.»

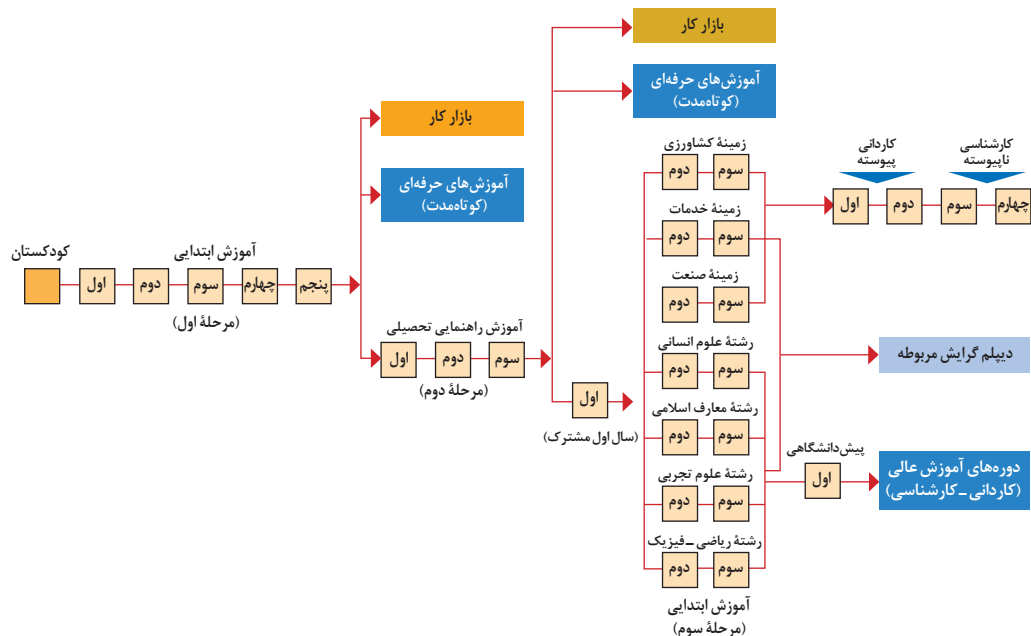
شاخه متوسطه نظری، شاخه متوسطه فنی و حرفه‌ای، شاخه متوسطه کاردانش (آموزش‌های مهارتی)، آموزش‌های جبرانی و بزرگسالان، دوره پیش‌دانشگاهی و دوره‌های کردانی پیوسته. دوره‌های پنج‌ساله علمی - کاربردی در صفحات بعد پس از نمایش ساختار آموزش متوسطه قدیم در شاخه‌های نظری و فنی و حرفه‌ای ساختار نظام جدید آموزش متوسطه در مسیرهای فوق و ترسیم شده است:



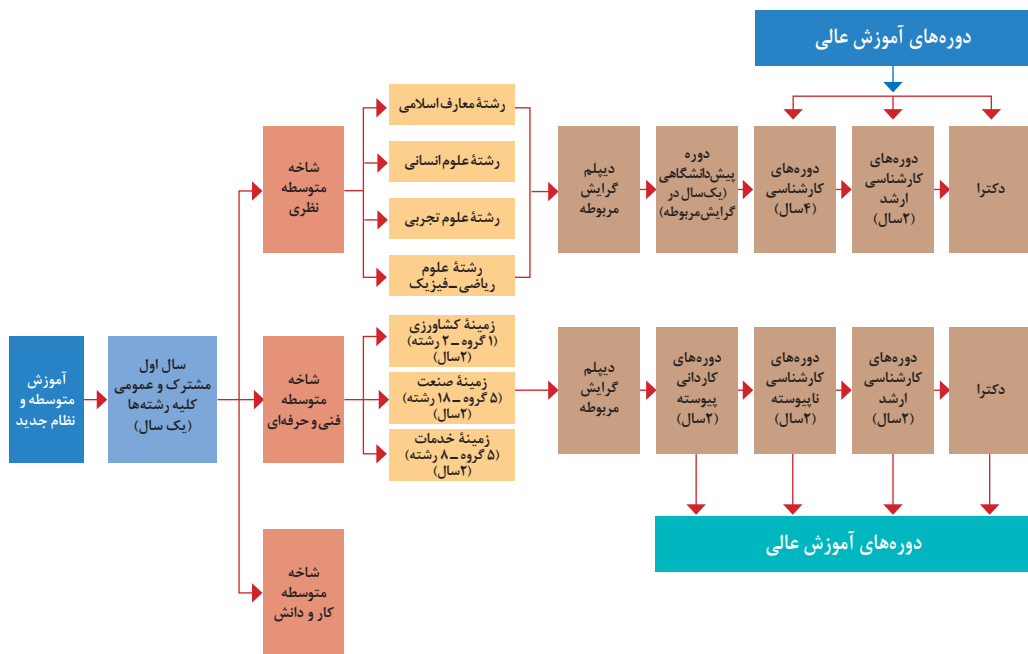
نمودار ۱۰. ساختار آموزش متوسطه قدیم تا سال ۱۳۷۰



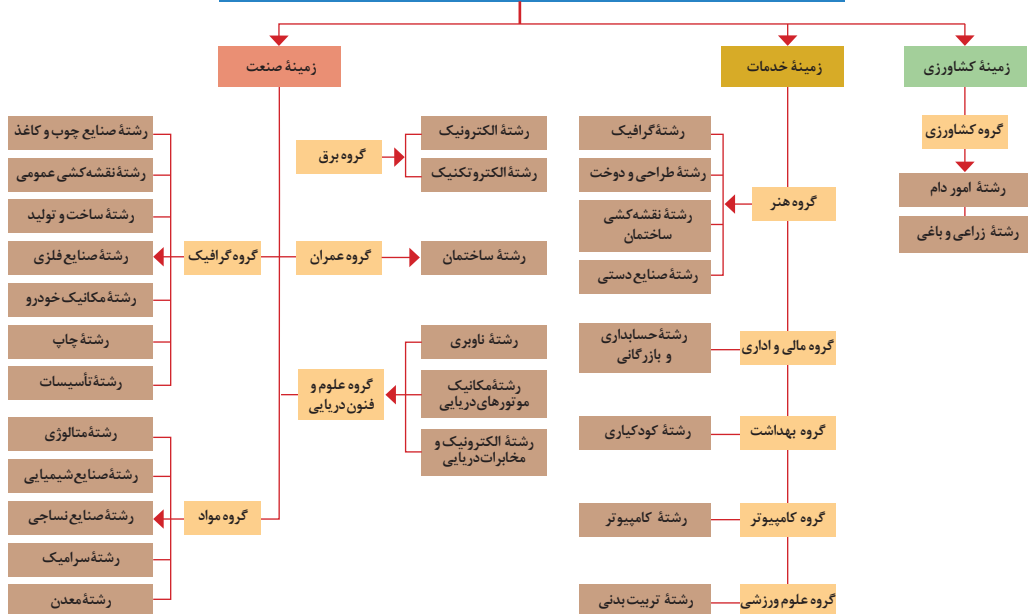
**نمودار ۱۱. ساختار رشته‌های تحصیلی آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای نظام قدیم تا سال ۱۳۷۰**



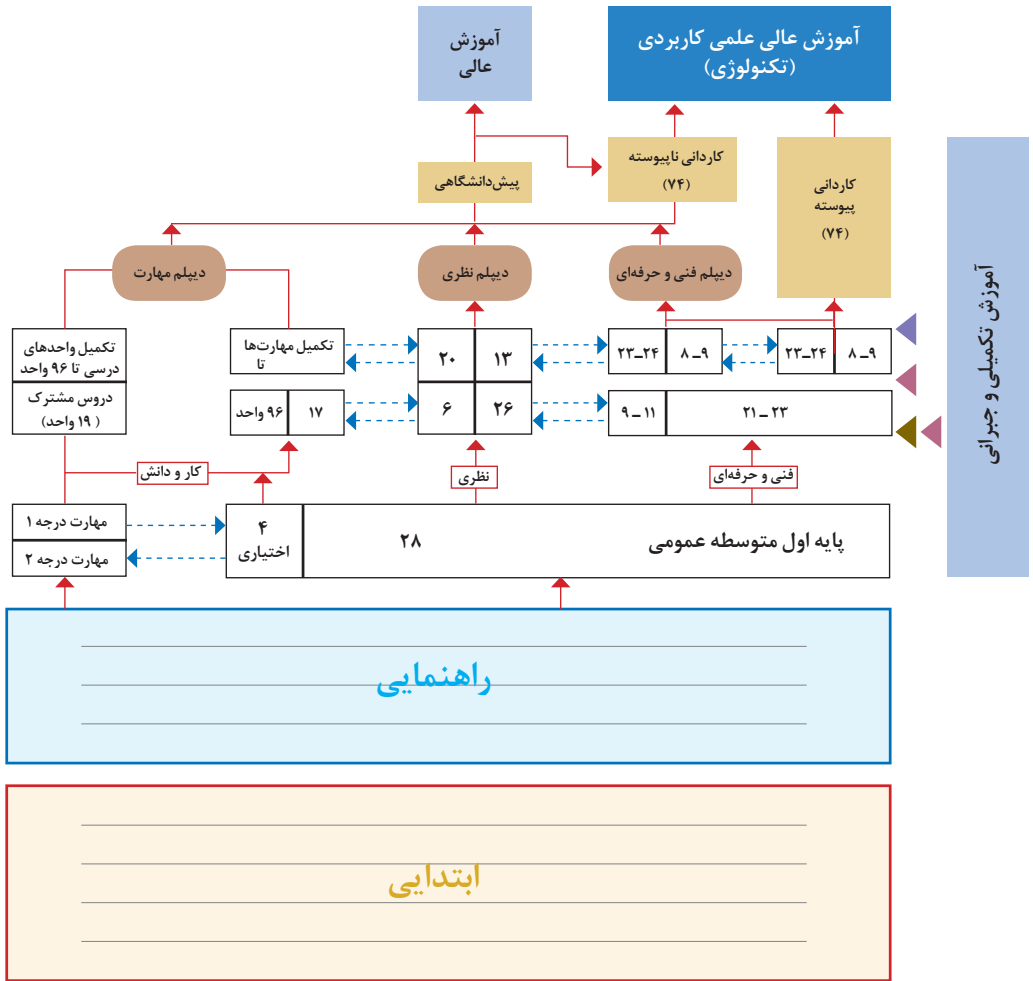
**نمودار ۱۲. نظام آموزش و پرورش جدید از سال ۱۳۷۰ (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی وزارت آموزش و پرورش - ۱۳۶۹)**



زمینه‌ها و رشته‌های شاخه متوسطه فنی و حرفه‌ای - ۱۳۷۰ (نظام جدید متوسطه)



نمودار ۱۳. ساختار نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۷۰



آموزش تکمیلی و جبرانی



## منابع

۱. انقلاب کیفی در آموزش و پرورش ایران، (مهرماه ۱۳۵۴)، بخشی از شماره اول ماهنامه آموزش و پرورش
۲. اطلس ملی ایران، «آموزش عمومی، جلد ۷، چاپ اول، (۱۳۷۷)، سازمان برنامه و بودجه و سازمان نقشه برداری کشور جمهوری اسلامی ایران، (صفحه ۱۰ و ۱۱)»
۳. بررسی مقدماتی کیفیت اجرای دوره راهنمایی تحصیلی در نظام جدید آموزش و پرورش، (مرداد ۱۳۵۳)، مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی و آموزشی، وزارت علوم و آموزش عالی
۴. صبح خیز، ناصر و پرویز سلیمی، راهنمای بین المللی نظام های آموزشی، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی وزارت آموزش و پرورش، اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ (از صفحه ۱ تا ۲۵، «نگاهی گذرا به نظام های آموزشی ایران»، مقدمه به قلم سید محمد کاظم نائینی)
۵. صورت خلاصه مذاکرات جلسات شورای عالی معارف سال ۱۳۴۱ هجری قمری، از اولین جلسه تا جلسه ۵۳ (جلد اول نسخه خطی موجود در دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش)
۶. کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش، خرداد ۱۳۶۷
۷. کلیات نظام جدید آموزش متوسطه اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ وزارت آموزش و پرورش.

## پی نوشت ها

۱. در سال ۱۳۱۶، به پیشنهاد فرهنگستان ایران به «وزارت فرهنگ»، و شورای عالی معارف به «شورای فرهنگ» تغییر نام دادند.
۲. انقلاب کیفی در آموزش و پرورش ایران، شماره اول ماهنامه آموزش و پرورش، دوره ۴۵، مهرماه ۱۳۵۴ صفحه ۱۶.
۳. دوره آمادگی بیشتر برای منطقه های دوزبانه ضروری بود؛ مانند آذربایجان، گیلان، کردستان، خوزستان و ... قرار بود در این دوره، کودکان ابتدا زبان فارسی را یاد بگیرند و بعد وارد دبستان شوند. ولی در عمل این دوره فقط به منطقه های شهری اختصاص یافت و بودجه آن در این منطقه ها به مصرف رسید.
۴. طرح پیش دانشگاهی در اسپانیا و مجارستان نیز اجرا شده بود، ولی با موفقیت همراه نبود.
۵. انقلاب کیفی در آموزش و پرورش ایران، مهرماه ۱۳۵۴ (ضمیمه صفحه ۱۶).
۶. طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۷ ستاد اجرایی تغییر بنیادی صفحه ۲۹ همان منبع بالا
۷. کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۷ (صفحه ۳۰)
۹. برای اطلاع بیشتر به منبع بالا صفحه ۳۳ مراجعه شود.
۱۰. در جلسه شماره ۶۷ مورخ ۶۵/۲/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی عضویت معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی نیز در شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش مورد تصویب قرار گرفت.
۱۱. برگرفته از کتاب اطلس ملی ایران، جلد ۷ آموزش عمومی ایران ۱۳۷۷ سازمان نقشه برداری کشور صفحه ۱۰
۱۲. کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۷. (صفحه ۳۷)
۱۳. بیشتر مطالب این بخش از کتاب «کلیات نظام جدید آموزش متوسطه» نشریه اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ وزارت آموزش و پرورش چاپ سوم برداشته شده است هر جا که لازم بود فقط به ذکر صفحه اکتفا شده است.
۱۴. کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۷ مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش صفحه ۳۷